

آنجایی که نیامدند...



محسن صالحی‌خواه

گزارشگر هم‌میهن

تمرکز رسانه‌های دولتی و شبه‌دولتی که انتخابات اخیر را به‌عنوان حماسه سیاسی تفسیر می‌کنند، بر مشارکت ۴۰ درصدی و ۲۵ میلیون نفری در انتخابات ۱۱ اسفند است. اما این رویداد سیاسی یک وجه دیگر نیز دارد و آن، عدم مشارکت بخش زیادی از مردم در این انتخابات است. از مجموع ۶۱ میلیون ایرانی واجد شرایط رای دادن بخشی از آنها در این انتخابات شرکت نکردند که البته قسمتی از این جمعیت در ادوار قبل هم حضور پیدا نمی‌کردند. آرای سفید و باطله نیز گرچه در آمار مشارکت احصاء شده اما جداگانه قابل تحلیل است. درباره غایبان می‌توان از چند منظر بررسی کرد:

بعضی نهادهای از موسم انتخابات ۱۳۹۸ به این سو، تعارف را کنار گذاشتند و عناصر نامطلوب را از نظر خود از انتخابات کنار گذاشتند. این روند که از انتخابات مجلس یازدهم (۱۳۹۸) با جدیت آغاز شد، در انتخابات ریاست‌جمهوری سیزدهم (۱۴۰۰) اوج گرفت و در انتخابات مجلس دوازدهم و خیرگان ششم (۱۴۰۲) به بالاترین حد ممکن رسید. اصلاح‌طلبان تصمیم گرفتند با این شرایط در انتخابات شرکت نکنند اگر چه با براندازان در لفظ تحریم هم‌آوا نشدند. چراکه با توجه به این روند، مشخص بود که چه رفتاری با آنان خواهد شد. این به معنای عملکرد مطلوب اصلاح‌طلبان در زمان حضور در قدرت به‌خصوص در یک دهه اخیر نیست؛ اما روند سلبی اتخاذشده طی سال‌های اخیر، تکلیف نتیجه بررسی صلاحیت‌ها را مشخص می‌کرد، مانند آنچه در خصوص بررسی صلاحیت حسن روحانی و سیدمحمود علوی به‌عنوان دو مقام عالی‌رتبه سابق کشور مشاهده کردیم. این همان روندی است که پیش از این، آن را در نوشتارهایی دیگر تحت عنوان تن دادن به «مشارکت پابین، نتیجه تضمین‌شده» تفسیر کردیم.

بخش قابل توجهی از مردم پای صندوق نیامدند. بدنه رای‌دهندگان به گونه‌ای ریزش کرد که تقریباً به هواداران سنتی رسید. ما شاهد یک رای ثابت - به غیر از رای به کاندیداهای غیراصول‌گرا - هستیم که در انتخابات‌ها شرکت می‌کنند. قشر خاکستری و بدنه رای‌دهنده اصلاح‌طلب، اعتدال‌گرا و تغییرطلب از زمره مشارکت‌کنندگان انتخابات خارج شدند. انتخابات یک ابزار برای رسیدن به شرایط بهتر و تغییرات مطلوب است. زمانی که رای‌دهندگان به این نتیجه برسند که تغییر کلان و مهمی از مسیر صندوق رای به وجود نمی‌آید، از انتخابات کنار می‌روند؛ به‌خصوص اگر در چند نوبت نیز با مشارکت بالا، رای اعتراضی داده باشند اما ثمره آن را به هر دلیل نبینند. این قشر از مشارکت‌کنندگان در انتخابات، بر خلاف بخش زیادی از نیروهای اصول‌گرا و جناح راست، شرکت در انتخابات و رای دادن به‌عنوان یک کنش سیاسی را «حق» خود می‌دانند؛ نه یک تکلیف یا دستور شرعی. برای مشارکت‌کنندگان غیرایدئولوژیک انتخابات، صندوق رای کارکرد خود را از دست داده است. چراکه تغییر کلان و مهمی را رقم نمی‌زند. شاید به همین دلیل باشد که این

طیف از افراد تصمیم گرفتند زینت‌المجلس نباشند و از عدد حضورشان، برای اثبات موافقت با وضع موجود استفاده نشود.

می‌توانیم این‌طور ادعا کنیم که شاهد «بی‌اعتنایی» بخش معتنابهی از مردم نسبت به مسائل جاری کشور هستیم. در واقع گروهی امروز مقابل چشم ما قرار دارند که به شدت معترض هستند اما همچنان برای بقا تلاش می‌کنند و اعتنایی به مسائل کشور ندارند. در حال حاضر، آن‌هایی که در زمره «دارندگان» هستند، از وضع موجود و گرانی‌ها سود می‌برند و آن‌هایی که در زمره دارندگان نیستند، بیشتر فرو می‌روند و صدایشان شنیده نمی‌شود. اگر نخواهیم هشدارهای دکتر سعید مدنی، جامعه‌شناسی که در حوزه فقر و تحلیل اعتراضات سال‌های اخیر اقدامات ارزشمندی انجام داد را گوش کنیم، ذکر این نکته ضروری است که احمد توکلی سیاستمدار شناخته‌شده اصول‌گرا و عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام از جمله کسانی بود که پیش از این در خصوص وقوع «شورش فقرا» هشدار داد.

تحلیل نویسنده این است که مجموعه‌ای از عوامل که آن‌ها را برشمردیم، موجب سرخوردگی شماری از مشارکت‌کنندگان در انتخابات شده است. وجه دیگر کاهش مشارکت را باید در وقایعی که طی سال‌های گذشته اتفاق افتاده است، جست‌وجو کنیم. پس از وقایع و نتایج اعتراضات سال‌های ۹۸، ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ برگزاری یک انتخابات پرشور دشوار شده است. حالا که در اسفند ۱۴۰۲ ایستاده‌ایم و وقایع سال‌های اخیر را مرور و انتخابات‌ها را تحلیل می‌کنیم، می‌توانیم ادعا کنیم که بخش نه‌چندان کمی از مردم، از ایجاد تغییر در سیاست‌ها ناامید هستند؛ این افراد با این باور که نمی‌شود تغییری ایجاد کرد، خود را کنار کشیده‌اند. ترمیم این اعتماد و اعتقاد از‌دست‌رفته بسیار زمان‌بر و پرحمت است.

شاید این سوال به ذهن‌مان بیاید که با وجود این جمعیت ناراضی یا بی‌اعتنا، چرا اعتراضات سال‌های اخیر حالت توده‌ای و پرجمعیت به خود نگرفته است. آن‌هایی که ناراضی هستند، الزاماً در اعتراضات خیابانی شرکت نمی‌کنند. شاید به این خاطر باشد که تصور روشنی از آینده ندارند و فکر می‌کنند که نباید شرایط را از چیزی که هست، بدتر کرد. بنابراین تصمیم گرفته‌اند که در حاشیه بمانند؛ معترض باشند اما اقدام علمی نکنند و در زمین بازی حاکمیت نیز حاضر نشوند.

عدم مشارکت بخشی از مردم در این انتخابات، نیازمند توجه جدی حاکمیت است. نماینده‌هایی به مجلس راه پیدا کرده‌اند که میزان آرای بعضی از آنان تنها ۵ درصد واجدان شرایط شرکت در انتخابات است. معنی پیروزی یک نامزد با ۷۰ و چند هزار رای در حوزه انتخابیه‌ای که بیش از ۱ میلیون واجد شرایط شرکت در انتخابات دارد، چیست؟ ای کاش تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان که در ساختار حاکمیت دارای جایگاه هستند، بعد از انتخابات ۱۱ اسفند ۱۴۰۲ بدانند که ایرانیان هم شامل آنانی می‌شوند که رای دادند و هم آنها که رای آنها باطله حساب شد و هم آنها که حاضر نشدند. از کار افتادن صندوق رای، کاهش مشارکت، غلبه آرای باطله بر آرای صحیح و حاکمیت حداقلی در نهادهای انتخابی، پیام‌های مثنی نیست و امیدواریم با اتخاذ سیاست‌های تازه شاهد ترمیم‌هایی باشیم.

تیتریک

HEADLINE ONE

سیلاب در ۲۰۰۰

روستای سیستان و بلوچستان

خسارت سیل در جنوب سیستان و بلوچستان حدود ۲ هزار میلیارد تومان بر آوردمی شود

نامی، رئیس‌سازمان مدیریت بحران کشور در آخرین اظهارنظر خود اعلام کرد که ۱۶ شهرستان استان سیستان و بلوچستان از نهم اسفندماه درگیر سیل و آبگرفتگی ناشی از بارش شده‌اند. نامی گفت: «شهرستان‌های نیکشهر، قصرقند، دشتیاری، چابهار، کنارک، خاش، سبب و سوران، فوج، ایرانشهر، میرجاوه، دلگان، سراوان، زاهدان، نیمروز، سرباز و مهرستان درگیر سیل شدند و خسارت دیدند. تاکنون هزار و ۹۴۷ روستا درگیر سیلاب و خسارت شدند که چهار با ۴۸۰ و نیکشهر با ۳۳۰ روستا بیشترین میزان درگیری را داشتند. بیشتر ۲۵ محور اصلی و فرعی مسدود شده بود که تاکنون حدود ۲۰ محور بازگشایی شده وباقی محور هانیز با حضور گروه‌های راهداری و امداد در حال بازگشایی است. با تلاش عوامل ادارات برق از تعداد ۴۱ روستا که دچار قطعی برق بودند، برق حدود ۲۰ روستا وصل شده و باقی روستاها به علت نبود راه دسترسی همچنان نوسان برق دارند.» نامی در بخش دیگری از اظهارات خود، به تشریح اقدامات امدادی در سیستان و بلوچستان پرداخت. علاوه بر خسارات و وضعیتی که سیل به وجود آورده، طبیعت سیستان و بلوچستان نیز در این شرایط، خطرآفرین شده است. با توجه به زیست‌نمساح پوزه کوتاه معروف به گاندو در این استان، مقامات سیستان و بلوچستان هشدار دادند که احتمال خروج این گونه از برکه‌ها و حمله به انسان‌ها وجود دارد.

گزارش دو

احکام حاشیه‌ساز

محسنی‌اذهای احکامی که وهن دستگاه قضایی است را نقد کرد

گروه خبر: حدودیک سالی است که شاهد صدور مجازات‌های تکمیلی خاصی از سوی برخی از قضات برای متهمان هستیم که با واکنش‌های منفی از سوی افکار عمومی همراه بوده است. در آخرین حکم صادره، شروین حاجی‌پور، خواننده شناخته‌شده‌ای که برای خواندن یک ترانه محکوم شده است، باید علاوه بر تحمل حبس، دو کتاب از شهید مطهری و آیت‌الله جوادی‌آملی را خلاصه‌نویسی کند. شروین حاجی‌پور به ۲ سال ممنوعیت خروج از کشور نیز محکوم شده است. این تصمیم از سوی قاضی پرونده با هجمه‌ای از سوی برخی مردم و چهره‌های شناخته‌شده به‌خصوص خانواده این شخصیت همراه شده است. واکنش‌ها نسبت به این حکم موجب‌آن شد که روز گذشته‌غلامحسین محسنی‌اژه‌ای، رئیس دستگاه قضا، نسبت به آن واکنش نشان دهد. اژه‌ای از صدور احکامی که وهن دستگاه قضایی را به همراه دارند، انتقاد کرد و گفت: «حکم باید بازدارنده باشد و نباید نتیجه عکس دهد.» در این ارتباط رئیس قوه قضائیه به مقامات قضایی دستور داد که در تعیین مجازات برای مجرمین به نکاتی مهم نظیر «تعیین کیفر متناسب از همه جهات»، «بازدارنده و مؤثر بودن مجازات»، «قابلیت اجرا داشتن» و «موهن نبودن» توجه‌ویژه داشته باشند. او تأکید کرد: «قضات در تعیین مجازات، به مندرجات ماده ۱۳ قانون مجازات اسلامی و مفاد مندرج در قانون آیین دادرسی کیفری در این خصوص اهتمام داشته‌باشندو در موعد استفاده از مقرلواتی نظیر «تبدیل مجازات» باز هم به قاعده متناسب بودن، توجه و عنایت کنند تا خدای باکرده، مجازات نتیجه عکس نداشته‌باشد و مسائلی در حاشیه به‌وجودنیاید.»

▼ احکام پرسرو صدا

موضوع صدور احکام جایگزین یا تکمیلی طی یک سال و چند ماهی که از اعتراضات سال گذشته می‌گذرد، هر چند بار در رسانه‌ها جنجال به پا کرده است. یلدا معیری عکاس شناخته‌شده خبری، علاوه بر شش سال حبس تعزیری به مجموعه‌ای از مجازات‌های تکمیلی از جمله «خدمات پاکبانی»، «تهیه پژوهش ۱۰۰ صفحه‌ای از آثار مرتضی مطهری» محکوم شده بود. «آزاده صمدی» هنرمند وپان‌یگر سینما و تئاتر نیز به جرم عدم رعایت حجاب به‌شش ماه ممنوعیت استفاده از فضای مجازی و تلفن همراه و مراجعه به مراکز روانشناسی برای مداوای بیماری ضد اجتماعی محکوم شد. همچنین «زینب موسوی» کم‌مدین معروف به «امپراتور کوزکو» در جریان اعتراضات بازداشت شد و بعد از آزادی دیگر اجازه استفاده از چادر و لپچه قمی را در ویدئوهای طنزش نداشت. او شاید تنها کسی است که در تاریخ ایران پس از انقلاب «ممنوع‌الچادر» شده باشد. حکم دیگر این بود که یک زن به‌خاطر عدم رعایت حجاب حین رانندگی به «یک ماه سستسن میت در غسال‌خانه‌شهر تهران» به‌عنوان مجازات تکمیلی محکوم‌شد؛ هر چند که این حکم توسط شعبه اول دیوان عالی کشور نقض شد. این‌ها از جمله احکامی هستند که به‌خاطر شناخته‌شده بودن محکومان، به گوش رسانه‌ها رسیده‌اند اما توجه به این نکته ضروری است که براساس گزارش منتشرشده از سوی خبرگزاری ایسنا به نقل از معاون اجتماعی دادگستری خراسان رضوی، در جریان اعتراضات سال گذشته برای ۲ هزار نفر در آن حوزه احکام جایگزین حبس صادر شد. این احکام قطعاً در استان‌های دیگر کشور نیز صادر و اجرایی شده است. باید دید که چقدر از این احکام با نظر رئیس قوه قضائیه مطابقت‌دارد.

▼ حکم برای شروین

اهالی شبکه ایکس (توییتر سابق) با پدیده‌ای به نام زائر آشنا هستند. سال گذشته و در جریان اعتراضاتی

که پس از مرگ مهسا اتفاق افتاد، ژانر «برای...» در توییتر داغ شد. شروین حاجی‌پور که پیش از آن به‌خاطر حضورش در یک برنامه تلویزیونی استعدایابی مطرح شده بود، توییت‌هایی که در ژانر «برای...» نوشته شد را به صورت یک ترانه خواند که بازتاب زیادی در ایران و جهان داشت. حالا و با گذشت یک سال و چند ماه از اعتراضات پاییز ۱۴۰۱، شروین باید به جز سه سال و هشت‌ماه زندان و دو سال ممنوعیت خروج برای خواندن این ترانه، دو کتاب «حقوق زن در اسلام» نوشته شهید مطهری و کتاب «زن در آینه جلال و جمال» نوشته آیت‌الله جوادی‌آملی را بخواند و خلاصه‌نویسی کند. او محکوم شده است که ۳۰ صفحه خلاصه از هر یک از این دو کتاب را برای درج در پرونده ارائه دهد و این متن را در اکت‌های خود در شبکه‌های اجتماعی منتشر کند. آنچه حکم صادرشده برای شروین را بیش از پیش مورد توجه قرار داد، خلاصه‌نویسی از دو کتاب متعلق به دو چهره مورد احترام در انقلاب اسلامی به‌عنوان مجازات بود. شخصیت‌هایی که روز شهادت یکی از آن‌ها به‌عنوان روز معلم در تقویم جمهوری اسلامی ایران ثبت شده است.

▼ چه کسانی واکنش نشان دادند؟

محمد مطهری، فرزند استاد شهید مرتضی مطهری در یادداشتی به انتقاد از این حکم پرداخت و در یادداشتی نوشت: «یک قاضی محترم، شروین حاجی‌پور خواننده ترانه «برای...» با ده میلیون بازدید را به خواندن و تلخیص کتاب نظام حقوق‌زن در اسلام» از استاد مطهری محکوم کرده است. سایر مجازات‌ها چیست؟ سه سال و هشت‌ماه حبس و دو سال ممنوع‌الخروجی! برای آنکه اطمینان حاصل شود که فرد محکوم‌و به دنبال او طرفدارانش به راه راست هدایت می‌شوند، «خلاصه کتاب» باید به صورت دست‌نویس بوده و حاصل کار در فضای مجازی منتشر شود. موضوع این یاداشت تنها این بخش از حکم است. اگر کسی بخواهد یک‌شبه در ذهن ودل لاف‌ل صدها هزار جوان ایرانی، نسبت به شهید مطهری بدبینی و حتی نفرت ایجاد کند، راهی جز این به‌ذهن نمی‌رسد. (البته قطعاً چنین حکمی از روی عدم توجه و نه قصد و غرض صادر شده است.) «محمدحسین مطهری (نوه شهید مطهری) نیز در واکنش به رای دادگاه علیه شروین حاجی‌پور نوشت: «می‌توانم نوشتن خلاصه دو کتاب آیت‌الله جوادی‌آملی و شهید مطهری را برای آقای حاجی‌پور به عهده بگیرم تا روزی که خواندن کتاب شهید مطهری مجازات تلقی نشود...» مرتضی جوادی‌آملی، مدرس حوزه علمیه‌قم‌ویسر عبدالله جوادی‌آملی هم این پیشنهاد نوه آقای مطهری را «اقدامی شایسته» توصیف کرد. او در نامه‌ای خطاب به محمد مطهری، پدر حسین مطهری، این دو کتاب را «دو اثر فرهنگی» خواند و تأکید کرد که «هرگز مطالعه آن به‌منظور یک اقدام مجازاتی مورد نظر نبوده بلکه خود حرکتی ضدفرهنگی تلقی می‌شود.» آیت‌الله کاظم قاضی‌زاده از اساتید دروس حوزه علمیه قم در واکنش به مجازات تبعی برای شروین حاجی‌پور، مبتنی بر تلخیص آثار شهید مطهری و آیت‌الله جوادی‌آملی در یادداشتی با عنوان «احکام قضایی غیرقابل دفاع» نوشت: «اصولاً اصرار به صدور احکامی که به‌ظاهر هدایت به اندیشه‌های ناب‌اسلامی و واقع‌در ایجاد نفرت از دین است، حرام شرعی است و حضور چنین قضات ساده‌انگار در مسند قضاوت مخرب دین و مذهب حق است.» محمدفاضلی، جامعه‌شناس هم این حکم را با یک پرونده فساد مالی که به‌تازگی در ایران مطرح شده، مقایسه کرد و در شبکه ایکس نوشت: «حالا که با دقت و وسواس به اتهامات شروین حاجی‌پور رسیدگی کردید و از اوخواستید علیه آمریکاخواند گزارش موسیقایی بدهد، باهمین دقت و وسواس هم گزارش دقیق تخلف چای را بدهید. آنچه از شروین خواسته‌اید کلاً اثر معکوس دارد، مگر هدف‌تان خُرد کردن شخصی باشد، به این هم نمی‌رسید.»

